

به نام خدا

جزوه آموزشی ویژه دستور زبان / پایه هشتم / دبیرستان فرزنانگان ۹ / نام دبیر : زهرا آهنگران

جمله ها از نظر پیام و مفهوم ۴ دسته اند:

خبری / پرسشی / امری / عاطفی

* فعل امر ، دو شخص بیشتر ندارد :

دوم شخص مفرد مانند : برو دوم شخص جمع مانند : بروید

* همان طور که می بینید ، فعل امر دوم شخص مفرد شناسه ندارد . در این مورد می گوییم شناسه فعل تهی است .

کدام گزینه یک جمله امری است ؟

۱) شما می توانید این کتاب را ببرید . ۲) باید این مطلب را بازگو کنی .

۳) لطفاً تمام دوستان را خبر کنید . ۴) شاید به همین مکان بازگردید .

*** فعل هایی دعایی از نظر ظاهر مانند فعل های امر هستند . اما باید بدانیم جمله های دعایی جزو جمله های عاطفی هستند .**

* تعداد جمله ها = تعداد فعل های موجود + فعل های حذف شده + شبه جمله ها

شبه جمله ها دو دسته هستند : ۱) منادا ۲) صوت ها

منادا کسی یا چیزی است که او را صدا می زنیم .

ای ایران ... / ای ملک ایران بزی جاودان / یا حسین آن که دل از غیر تو ببرید منم / پروردگارا ما را راه راست بنمای / تو والاترین مخلوق خدایی ، انسان !

صوت ها : واژه هایی هستند که احساسات ما را نشان می دهند :

آه / وای ... / آخ .. / به به / وه / افسوس / آفرین / هان / زنهار / ...

متن زیر از چند جمله درست شده است ؟

پرواز دسته جمعی پرندگان بر فراز قله های برف گرفته ، بعد از یک روز خسته کننده ، روح و نشاط خاصی به انسان میدهد .

۱) یک (۲) دو (۳) چهار (۴) سه

نقش های دستوری ۱۰ تا هستند :

۱. نهاد ۲. مفعول ۳. متمم ۴. مسند ۵. صفت

۶. مضاف الیه ۷. منادا ۸. بدل ۹. قید ۱۰. فعل

**** نکته: مشبه ، مشبه به، تکرار و... آرایه های ادبی هستند و نباید با نقش های**

دستوری اشتباه گرفته شوند.**

بررسی نقش های دستوری :

۱. نهاد :

بخشی است که در باره آن خبری می دهیم .

گزاره چیست ؟

خبری که در باره نهاد داده می شود ، گزاره است .

مثال :

گل ها هدیه های بهشتی هستند . مرد فروشنده خیلی مهربان و صبور بود .

نکته ۱:

نهاد گاهی یک کلمه است . مثل :

دوست گنجی بی پایان است . باران رنج و غصه را از خاطر درختان باغ شست .

نکته ۲ :

نهاد گاهی یک گروه است . مثل :

چشمه های روان و رودخانه های جاری نعمت های ارزشمند خداوند هستند .

نهال های نو رسته و جوانه های سبز، چشم و چراغ باغ پیر بودند .

نکته ۳:

نهاد همیشه اول جمله نیست . مثل :

سال ها پیش ، قبل از ساخته شدن این پل ، مردم برای عبور از رودخانه از قایق و کرجی استفاده می کردند.

دوباره پس از گذشت ماه ها از آن رویداد خوشایند مرد دوره گرد فعالیت همیشگی خود را آغاز کرد .

*نهاد را با کمک فعل و چند کلمه آخر جمله پیدا می کنیم .

ای یار مهربان و دوست فداکار ، صداقت و راستی ضامن بقای دوستی ها و سربلندی هاست .

(چه چیزی ضامن بقای دوستی ها و سربلندی هاست؟ صداقت و راستی)

خوشبختانه دریای طوفانی و امواج سهمگین تأثیری بر اراده پولادین صیاد پیر نداشت .

(چه چیزی تأثیر بر اراده پولادین صیاد نداشت؟ دریای طوفانی و امواج سهمگین)

نکته ۴:

گاهی نهاد از جمله حذف شده است . مثل :

پنجشنبه ظهر ، بعد از ناهار به دیدن پدر بزرگم می رویم. (نهاد: ما محذوف)

در بیت زیر نهادها کدامند ؟

دوباره پلک دلم می پرد ، نشانه چیست ؟ شنیده ام که می آید کسی به مهمانی

جواب: اول افعال را پیدا می کنیم : می پرد/است/شنیده ام/ می آید

سپس از افعال سوال چه کسی؟ یا چه چیزی؟ می پرسیم : چه چیزی می پرد؟ پلک دلم

چه چیزی است؟ آن محذوف / چه کسی شنیده است؟ من محذوف/ چه کسی می آید : کسی

*در کدام گزینه نهاد درست مشخص شده است ؟

۱) تابلوسازی از هنر های دستی جالب است .

۲. مردمان بی شماری در راهپیمایی آن روز شهر شرکت کردند .

۳. بعد از باران کرم های خاکی سر از باغچه بیرون آورده بودند .

۴. پریروز برادرم ، حسن، نامه ای به صدا و سیما نوشت .

جواب صحیح: گزینه ۱ است. / در گزینه ۲ می پرسیم چه کسانی شرکت کردند؟ مردمان بی

شماری / در گزینه ۳ چه چیزی سر از باغچه بیرون آورده بود؟ کرم های خاکی / در گزینه ۴ چه

کسی نامه نوشت؟ برادرم، حسن

**** نکته :** برای آزمایش این که بفهمید نهاد را درست پیدا کرده اید یا نه، یکی دیگر از کلمات

متن را به جای نهاد قرار دهید و سوال چه کسی؟ یا چه چیزی؟ را بپرسید. اگر درست بود و معنی

می داد نهاد را اشتباه دریافته اید و اگر درست نبود نهاد همان است که در ابتدا پیدا کردید.**

* کدام گزینه نهاد های متن زیر را به ترتیب درست نشان داده است ؟

ای یاد تو بر دل و زبان ها/ افتاده چو روح بر روان ها

بی یاد تو نیست هیچ مرغی/ در سبزه و باغ و بوستان ها

سیمرغ و عقاب و باز و شاهین / ذکر تو کند در آشیان ها

۱. یاد تو / هیچ مرغی / سیمرغ و عقاب و باز و شاهین

۲. دل و زبان ها / هیچ مرغی / آشیان ها

۳. یاد تو / روح / هیچ مرغی / سیمرغ و عقاب و باز و شاهین

۴. روح / روان ها / سبزه و باغ و بوستان ها / سیمرغ و عقاب و باز و شاهین

جواب: در این سوالها، ابتدا ابیات را براساس زبان فارسی معیار مرتب می کنیم. یعنی فعل را در آخر می اوریم و اجزای جمله را به ترتیب کنار هم قرار می دهیم:

ای [کسی که] یاد تو بر دل و زبان ها چو روح بر روان ها افتاده [است]

بی یاد تو هیچ مرغی در سبزه و باغ و بوستان ها نیست.

سیمرغ و باز و شاهین در آشیان ها ذکر تو می کند.

و بعد با پرسیدن «چه کسی؟ چه چیزی؟» از فعل ها نهاد را می یابیم.

پس جواب صحیح گزینه ۱ است.

*در جمله «معمولا انتظار بیهوده کشیدن و کار بی نتیجه انجام دادن هر انسانی را خسته و آزرده می کند» نهاد کدام است؟

چه چیزی انسان را خسته و آزرده می کند؟ انتظار بیهوده کشیدن و کار بی نتیجه

۲. مفعول :

نشانه مفعول حرف «را» است. در متن های امروزی هر واژه ای که پیش از حرف «را» بیاید یا بتوانیم بعد از آن «را» اضافه کنیم ، مفعول است . برای به دست آوردن مفعول، فعل را پیدا می کنیم و سپس سوال چه کسی را؟ یا چه چیزی را؟ به ما مفعول را نشان می دهد.

*** گاهی نشانه مفعول یعنی را حذف می شود. پس نبودن را دلیلی بر نبودن مفعول در جمله نیست.***

مثال : دست را به من بده تا کمکت کنم از روی زمین برخیزی .

هر کسی چیزی آورده بود . اهورا هم در کیفش سیب داشت . من نان و پنیر آورده بودم . مجید هم گوشه ای نشسته بود و با کاغذ و قلم از صحنه روبه رو نقاشی می کشید .

نکته: مفعول می تواند یک کلمه باشد یا یک گروه مفعولی شامل چندین کلمه. در بعضی فعل ها مفعول حتی می تواند شامل یک یا چند جمله کامل باشد. فعل هایی که عالمت «:» دارند ، مفعول دارند . مفعول آن ها تمام عبارتی است که نقل قول شده است .

مثال : گفتم : « امروز چند شنبه است ؟ » پرسیدند : « از کدام خیابان باید برگردیم ؟ »

برای مثال در مصراع «گفتم غم تو دارم!» دو فعل داریم. فعل اول «گفتم» است و می پرسیم چه چیز را گفتم؟ و جواب، جمله «غم تو دارم» است. پس جمله دوم مفعول جمله اول است. در جمله دوم هم می توان پرسید چه چیزی دارم ؟ غم تو مفعول می شود.

در متن زیر مفعول کدام است ؟

«می تراود مهتاب / می درخشد شب تاب / غم این خفته چند / خواب در چشم ترم می شکند»

جواب: ابتدا فعل ها را پیدا می کنیم : می تراود-می درخشد و می شکند*** از فعل می تراود و می درخشد نمی توان پرسید چه چیزی را؟ چون معنی نمی دهد (چه چیزی را می تراود؟ چه کسی را می درخشد؟) بنابراین این افعال ناگذرا هستند. از فعل می شکند می پرسیم چه چیز را می شکند؟ جواب : خواب.

مفعول ها در متن زیر به ترتیب کدامند ؟

جاودان زی ای زبان دانش و فرزاندگی // تا به گیتی نور بخشد آفتاب خاوری

فارسی را پاس می داریم زیرا گفته اند // قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر ، گوهری

۱) نور / فارسی / زر / گوهر ۲) گیتی / آفتاب / فارسی / قدر / گوهری

۳) نور / فارسی / قدر زر / قدر گوهر ۴) آفتاب خاوری / فارسی / زرگر / گوهری

جواب: ابتدا جملات را به فارسی معیار مرتب می کنیم :

ای زبان دانش و فرزاندگی جاودان زی (زندگی کن) تا آفتاب خاوری به گیتی نور بخشد. [چه چیزی را بخشد؟
نور را]

فارسی را پاس می داریم زیرا گفته اند ، زرگر قدر زر [را] می شناسد و گوهری قدر گوهر [را می شناسد]

پس جواب صحیح گزینه ۳ است.

**** نکته :** گاهی ضمائر متصل به فعل هم نقش مفعولی می گیرند : خواندمش!

در این جمله «ش» ضمیر متصل نقش مفعولی دارد.

۳. حرف اضافه و متمم :

حروف اضافه کلماتی هستند که به تنهایی معنی ندارند در جمله پیش از اسم می آیند و آن را متمم می سازند.

از آن جاکه حروف اضافه به کلمه بعد از خود نقش متمم می دهند به آنها نقش نمای متمم نیز می گویند.

حروف اضافه مثل : از، به ، با ، بی ، در ، بر ، برای ، تا ، مگر ، جز ، الا ، آلا ، چون ، اندر ، زی و

متمم ها یا اجباری هستند و یا قیدی.

متمم اجباری : متممی است که فعل جمله به آن نیاز دارد و بدون آن معنای جمله ناقص است :

من به تو نگاه می کنم. [نگاه کردن همیشه با حرف اضافه به به کار می رود]

متمم قیدی: متممی است که بدون آن هم معنای جمله کامل است و می توان از جمله حذفش کرد.

زهرا از مدرسه به خانه آمد . [فعل آمد دو جزئی است و نیازی به متمم ندارد]

* کلمه هایی مانند به شدت / به ندرت / از قضا / بی کار / با حوصله و ... (در ساختمان خود حرف اضافه ندارند. زیرا این واژه ها هر کدام روی هم یک معنی مستقل دارند و یک کلمه را تشکیل می دهند .

۴. مسند و فعل های اسنادی :

به جمله های زیر توجه کنید :

۱. پرندگان از جوجه های خود مراقبت می کنند . ۲. دریا با دل دریایی خودش صیادان دل خسته را دست خالی بر نمی گرداند .

۳. هوای مناطق کوهستانی فرح بخش و روح نواز است . ۴. دل آسمان از تولد کودک کاکل زری غرق نور و سرور شده بود .

- زیر فعل ها در جمله های بالا خط بکشید .

* آیا همه ی فعل ها انجام شدن کاری را نشان می دهند ؟

* کدام فعل ها روی دادن یا داشتن حالتی را نشان می دهند ؟

* نکته : همان طور که می دانید همه ی فعل ها انجام شدن کاری را نشان نمی دهند.

فعل هایی که داشتن یا پذیرفتن حالتی را نشان می دهند ، جمله های سه قسمتی می سازند. به این فعل ها ، فعل های اسنادی یا ربطی می گوئیم : نهاد + مسند + فعل اسنادی

هوای مناطق کوهستانی فرح بخش و روح نواز است.

بدنه کشتی بادبانی سست و ناپایدار بود.

تمرین : دقت کنید و در میان جمله های زیر، فعل اسنادی و مسند را مشخص کنید :

نیروی آب، سنگ آسیارا به حرکت در آورده بود.

سکوت و شکیبایی نشانه ی دانش و خردمندی است .

دانش هواشناسی روز به روز گسترده تر و مهم تر می شود.

جالل آل احمد در طول عمر ۴۵ساله اش بیش از ۴۵کتاب ومقاله نوشته است

- تمام گزینه ها به جز گزینه ی فعل اسنادی هستند .

۱) شده بود ۲) شنیده است ۳) بوده است ۴) نبوده ایم

جواب: گزینه ۲

***مسند را با کمک رابطه مقابل پیدا می کنیم : نهاد + چه یا که + فعل اسنادی؟ مسند**

مثال: تنهایی بهتر از هم نشینی با بی خردان است . تنهایی چه است ؟ بهتر از هم نشینی با بی خردان

راننده اتوبوس برادر مردهمسایه بود . راننده ی اتوبوس که بود ؟ برادر مردهمسایه

فعل های اسنادی از مصدرهای هستن، بودن، شدن ، گشتن و گردیدن به دست می آیند.

تمرین : کدام یک از فعل های زیر اسنادی هستند ؟

رسیده است/ نمی دانستند/ می شوند/ شده است/ خواهد بود/ رفته بودند/ می گردد/ بودید

***اگر فعل های « است و بود»، به معنی وجود داشتن و قرار داشتن باشند ، فعل اسنادی نیستند**

:

همه به اتفاق دایی ناصر در خانه ی مادر بزرگ مهربانمان بودیم . هستم اگر می روم ور نروم

نیستم

*اگر گشتن و گردیدن به معنی جست و جو و چرخیدن و گشت و گذار باشند ، فعل اسنادی

نیستند .

تمام کیفم را گشتم اما دریغ از یک صدتومانی ! ببین چقدر بزرگی انسان ، که خورشید به دور تو

می گردد!

*اگر « شد » به معنی « رفت » باشد ، اسنادی نیست .

پس از زیارت میهمانان خاک در دیار فراموشی به مدینه شدیم و چند روزی آنجا ماندیم .

۵ و ۶ . ترکیب وصفی / ترکیب اضافی

ترکیب (اسم + _ + صفت) یک ترکیب وصفی یا موصوف و صفت می سازند .

مانند : دوستِ خوب / خاطرات به یادماندنی / کوهستانِ روح نواز / فلک تیز رو

ترکیب اسم + _ + اسم یا ضمیر (یک ترکیب اضافی یا مضاف و مضاف الیه می سازند .

مانند : دوستِ من / خاطراتِ برادرم / کوهستانِ البرز / کتابِ تاریخ

** نکته : صفت و مضاف الیه نقش دستوری هستند اما مضاف و موصوف نقش دستوری نیستند.**

تمرین:

ترکیب های زیر به ترتیب چه هستند ؟

نیلوفر آبی / کاشی کاریهای چشم نواز / جشنواره ی فیلم / سخن حکیمانه / لحظه ی انتظار

*هر کلمه ای که معنی مصدری بدهد ، جزو اسم ها است . و تمام مصدرها اسم هستند نه فعل!

بنابراین واژه های زیر اسم هستند :

هجران : دوری / دور بودن شجاعت : شجاع بودن شادی : شاد بودن

زیبایی : زیبا بودن دانش : دانستن پرواز: پریدن

*در کدام گزینه تمام واژه ها اسم هستند؟

۱) تنهایی / جسور / شهادت / قوی ۲) قوت / ضعف / وجود / لذت

۳) شدید / مردود / کبیر / جوانان ۴) شعرا / نابینایان / عصا به دست / عینک

جواب: گزینه ۲

۷. منادا

حروف ندا و منادا

حروف ندا: ای - یا - ایا - «ا» در آخر اسم، آهای، با تغییر آهنگ

ای دوست: ای (حرف ندا) دوست (منادا)، آیا سرمین من، شهریارا، آهای محسن، رضا،

منادا کلمه ای که با حروف ندا یا با تغییر آهنگ مورد خطاب قرار گیرد؛ یعنی صدا زده شود.

از آن جایی که در ندا چنین معنی می شود: ای دوست،؛ یعنی ای دوست با تو هستم. پس هنگام معنی در حکم یک جمله هست و یک جمله محسوب می گردد.

نکته ۱: حروف (ای - یا - ایا - ا) قبل از کلمه منادا و حرف «ا» بعد از کلمه منادا می آید.

نکته ۲: گاهی منادا بدون حرف ندا می آید. (حرف ندا محذوف)

مثال : خدای بزرگ کمکم کن. ←←← ای خدای بزرگ کمکم کن.

** در شمارش جملات ندا و منادا با هم یک جمله به حساب می آیند.**

۸. بدل:

بدل اسم یا گروه اسمی است که نام دیگر یا شهرت یا مقام و عنوان یا لقب یا شغل و یا یکی دیگر از خصوصیات اسم قبل از خود را بیان می کند. در واقع بدل برای توضیح یا تاکید اسم قبل از خود می آید. به بیان ساده تر گاهی چون کسی یا چیزی را نام می بریم گمان می کنیم که شنونده احتمال دارد مقصود ما را در نیابد. پس برای واضح تر کردن مقصود خودمان ، نام دیگر یا شغل و مقام یا نشانی دیگر اسم را بیان می کنیم. این توضیح اضافی که درباره اسم می دهیم «بدل» خوانده می شود.

احمد، برادرم، دیشب به خانه ما آمد.

علی (ع)، مولای مسلمین، همیشه عدالت را رعایت می کرد.

۹. قید

قید کلمه ای است که معمولاً فعل و گاه کلمات دیگر را به مفهومی مقید می سازد و به این ترتیب، در باره آن توضیح می دهد.

قید، بر خلاف انواع دیگر کلمه، از طرفی نوع است و از طرفی نقش. آن جا که به جایگاه صرفی کلمه نظر داریم، آن را از نوع قید می نامیم و آن جا که به جایگاه نحوی می نگریم، آن را دارای نقش قید می دانیم. قید دارای ساخت یا ساخت های ویژه نیست. البته می توان گفت که واژه های عربی تنوین دار معمولاً در زبان ما قید هستند:

«اگر ما مطلقاً مطابق فضیلت رفتار کنیم، اجباراً دستور عقل را به کار برده ایم.»

نکته نگارشی: در نوشته های امروز، بهتر است تا جایی که می توانیم، از کاربرد قیده های تنوین دار خودداری کنیم. البته برخلاف پندار برخی، استفاده از قیده های عربی تنوین دار نادرست نیست. آنچه نادرست است، افزودن تنوین به واژه های فارسی است.

ساختمان قید

ساده

قیدی که یک واژه بیشتر نیست و نمی توان آنرا به جزء های معنی داری تقسیم کرد.

پیرمرد، آهسته به راه افتاد. (آهسته)

مرگب

دارای چند جزء معنی دار یا ترکیبی از اجزای معنی دار و معنی ساز که همراه با هم یک مفهوم دارند.

هرروز به کتابخانه میروم. (هرروز)

اقسام قید از لحاظ نقش

مختص

قیدی که همواره نقش قیدی دارد و نقش دیگری را نمی پذیرد: البته، خوشبختانه، هرگز.

اوهرگز دروغ نمی گوید. (هرگز)

مشترک

بعضی از اسمها یا صفتها یا کلمات دیگر گاهی در جمله نقش قیدی می پذیرند: خوب، تند، صبح.

احمد شب به خانه برگشت. (شب اسم است که نقش قید زمان دارد.)

اقسام قید از لحاظ معنی و کارکرد

۱. زمان: امروز، در آن هنگام...

۲. مکان: این جا، آنجا...

۳. مقدار: یک کیلو، بسیار، کم، زیاد...

۴. حالت: آهسته، گریان، نالان....

۵. نفی: هرگز، اصلا، هیچ، نه...

۶. استثنا: مگر، جز، وگرنه، غیر....

۷. تأکید: آری، بی گمان، بلکه، راستی، ناچار، هرآینه، بی چون و چرا....

۸. کیفیت: خوب، به آرامی....

۹. استفهام: برای چه، آیا، چون، کی، چرا، چطور، چگونه....

۱۰. تاسف: افسوس، متأسفانه....

۱۱. تعجب: چه عجب، عجباً...

۱۲. شک و تردید: شاید...

۱۰. فعل:

فعل کلمه ایست که بر انجام کاری یا روی دادن حالتی در زمانی مشخص و با شخص و شمار مشخص دلالت می کند: شنید / گرفتم / فهمیدند

فعل مهم ترین جزء جمله است. بنابر فعل است که چند جزئی بودن جملات مشخص می شوند. (جملات یا دو جزئی هستند / یا سه جزئی و یا چهار جزئی که در ادامه توضیح داده می شوند.)

یاد آوری ۱: فرق فعل با مصدر: مصدر کلمه ایست که بر روی دادن حالتی یا انجام کاری دلالت می کند اما زمان و شخص ندارد و همیشه به ن ختم می شود: شنیدن / فهمیدن / گرفتن

یاد آوری ۲: جزء ثابت و تغییرناپذیر فعل را بن می نامند. برای ساخت بن ماضی ن مصدری را حذف می کنیم: شنیدن ---- شنید(بن ماضی)

برای ساخت بن مضارع به مصدر امر می کنیم: بشنو و سپس ب امر را حذف می کنیم: شنو

یاد آوری ۳: شخص و شمار فعل ها : اول شخص مفرد (شناسه : م) / دوم شخص مفرد (شناسه: ی)
/ سوم شخص مفرد (شناسه : تهی یا د) / اول شخص جمع (شناسه : یم) / دوم شخص جمع
(شناسه : ید) / سوم شخص جمع: شناسه (ند)

زمان افعال :

فعل ماضی (گذشته)

نشان می دهد که آغاز و انجام معنای فعل در زمان گذشته است.

انواع فعل ماضی

- مطلق یا ساده : بن ماضی + شناسه (نوشتم - نوشتی - نوشت - نوشتیم - نوشتید - نوشتند)
- استمراری : می + ماضی ساده (می نوشتم - می نوشتی - می نوشت - می نوشتیم - می نوشتید - می نوشتند)
- نقلی : بن ماضی + ه + شناسه (نوشته ام - نوشته ای - نوشته است - نوشته ایم - نوشته اید - نوشته اند)
- نقلی مستمر: می + ماضی نقلی (می نوشته ام - می نوشته ای - می نوشته است - می نوشته ایم - می نوشته اید - می نوشته اند)
- بعید: بن ماضی + ه + بود + شناسه (نوشته بودم - نوشته بودی - نوشته بود - نوشته بودیم - نوشته بودید - نوشته بودند)
- التزامی : بن ماضی + ه + باش + شناسه (نوشته باشم - نوشته باشی - نوشته باشد - نوشته باشیم - شنوخته باشید - شنوخته باشند)
- بعد: (نوشته بوده ام - نوشته بوده ای - نوشته بوده است - نوشته بوده ایم - نوشته بوده اید - نوشته بوده اند)

-ملموس: داشت + شناسه + ماضی استمرای (داشتیم می نوشتیم - داشتی می نوشتی - داشت می نوشت - داشتیم می نوشتیم - داشتید می نوشتید - داشتند می نوشتند)

فعل مضارع (حال)

نشان می دهد که آغاز تحقق معنای فعل، در زمان حال یا آینده است .

انواع فعل مضارع

-ساده: بن مضارع + شناسه (روم - روی - رود - روییم - روید - روند)
-اخباری : می + مضارع ساده (می روم - می روی - می رود - می روییم - می روید - می روند)
-التزامی : ب + مضارع ساده (بروم - بروی - برود - بروییم - بروید - بروند)
-ملموس : دار + شناسه + مضارع اخباری (دارم می یروم - داری میروی - دارد می رود - داریم می روییم - دارید می روییم - دارند می روند)

فعل مستقبل (آینده)

نشان می دهد که آغاز تحقق معنای فعل، در زمان آینده خواهد بود: خواه + شناسه + بن ماضی
-خواهم نوشت - خواهی نوشت - خواهد نوشت - خواهیم نوشت - خواهید نوشت - خواهند نوشت

جملات

همان‌طور که گفته شد، بر اساس فعل جمله اجزای جملات نیز تعیین می‌شوند.

جملات در زبان فارسی به سه گروه تقسیم می‌شوند: جملات دو جزئی / جملات سه جزئی / جملات چهار جزئی

** توجه : وقتی می‌گوییم جمله ای دو جزئی است یا سه جزئی یا چهار جزئی به این معناست که این جملات دو یا سه یا چهار جزء اصلی دارند. ممکن است اجزای فرعی هم داشته باشند. اجزایی مانند قیده‌ها که می‌توان آن‌ها را از جمله حذف کرد. پس لزوماً جملات دو جزئی شامل دو کلمه نمی‌شوند، بلکه شامل دو جزء اصلی می‌شوند.**

جملات دو جزئی (نهاد + فعل) : جملاتی هستند که فعل آنها ناگذرا یا لازم است. این افعال به جز نهاد به جزء دیگری نیاز ندارند : حسن از مدرسه به خانه آمد.

حسن آمد ---- این جمله کامل است و نیازی به اجزای دیگر نظیر مفعول و ... ندارد. پس جمله دو جزئی است و از مدرسه / به خانه متمم‌های قیدی جمله هستند.

نمونه ای از مصدرهایی که افعال ساخته شده از آنها دو جزئی هستند، به شرح زیر است:

آمدن-رفتن-جوشیدن-دمیدن-ایستادن-باریدن-برخاستن-پریدن-تابیدن-ترکیدن-جنبیدن-چرخیدن-
چکیدن-خروشیدن-خزیدن-خشکیدن-خوابیدن-درخشیدن-دویدن-رقصیدن-رویدن-زیستن-غریدن-
کوشیدن-سعی کردن-ماندن-مردن-گندیدن-لرزیدن-نشستن و....

جملات سه جزئی: (به ۳ نوع تقسیم می‌شوند) : فعل این جمله‌ها گذراست و به همین دلیل در بخش گزاره این جمله‌ها یک جزء دیگر هم می‌آید.

۱- جمله سه جزئی گذرا به مفعول : (نهاد+مفعول+فعل) : فعل این جمله‌ها مفعول می‌طلبد. یعنی علاوه بر نهاد برای کامل شدن به مفعول نیاز دارد. مثال : اقبال فرهنگ غرب را به خوبی می‌شناسد.

می شناسد فعل ماست. اگر بگوییم: اقبال می شناسد. سوال پیش می آید: چه چیز را؟ و بنابراین نیاز به مفعول در جمله حس می شود. * نکته: به خوبی قید است و همان طور که گفته شد منظور از سه جزئی بودن جمله اجزاء اصلی هستند نه فرعی**

نمونه ای از مصدر فعل هایی که جمله های سه جزئی با مفعول می سازند: آوردن (چیزی را)، انداختن، بافتن، برافراشتن، بردن، بستن، بوسیدن، پاشیدن، پرستیدن، پروردن، پسندیدن، پوشیدن، پیمودن، تراشیدن، تکاندن، جویدن، چشیدن، خواستن، خوردن، داشتن، دانستن، درویدن، دوختن، دیدن، راندن، زدن (نصب کردن)، ساختن، شستن، شناختن، فرستادن، فریفتن، کاشتن، کشیدن، گذاشتن، گزاردن، گشودن، لیسیدن، مکیدن، نواختن، نوشتن، یافتن و...

۲- جملات سه جزئی با مسند (نهاد+مسند+فعل)

فعل های اسنادی (گذرا به مسند) عبارت اند از: است، بود، شد، گشت و مشتق های آن

مانند: هست، نیست، باشد، می باشد، شود، گردد، گردید

زهره موفق شد. (سه جزئی گذرا به مسند) بچه ها دوره هم بودند.

*عبارت «سخنان دل انگیز و شور آفرین جاری بر زبان بعضی از شعرا، نمایانگر قدرت بی چون و چرای آن ها در تصویر حوادث و زنده جلوه دادن داستان ها شده است.» چند جزئی است؟

درست حدس زدید، سه جزئی گذرا به مسند است.

سخنان دل انگیز... نهاد نمایان گر قدرت بی چون و چرای آن ها / مسند شده است / فعل
نمونه ای از جملات سه جزئی گذرا به مسند:

زندگانی خداوند دراز باد. / علت و تب زایل شد.

جبریل، مقیم آستان/افلاک حریم بارگاهت

او شغاد آن نابرا در بود.

نکته: در پاره ای از جمله های سه جزئی اسنادی، گاهی مسند به صورت حرف اضافه و متمم می آید.

فلانی از ساکنان این محل است. پارچه از ابریشم می باشد.

من این نپذیرم و در عهده ی این نشوم.

کاریز خوش خیال دارد که رودها تنها برای این هستند....

ما ز چنگیم و نوا در ما ز توست.

دقت نمایید که فعل های اسنادی (است، بود، شد، باشد،) فعل معین (کمکی) نباشد. در این صورت فعل اسنادی به شمار نمی آیند؛

مثال: او رفته است. غذا خورده شد. او رفته بود.

۳- سه جزئی گذرا به متمم: (نهاد+متمم+فعل)

قبلا درباره متمم اجباری و قیدی گفتیم. جملات سه جزئی با متمم فعل هایی دارند که حرف اضافه ای خاص و در نهایت متممی اجباری را می طلبند: او از گربه می ترسد.

پاره ای از مصدرهای فعل های گذرا به متمم همراه با حرف اضافه ویژه ی آن ها:

اندیشیدن (به)، بالیدن (به)، (=افتخار کردن)، برآزیدن (به)، برخوردارن (به)، پرداختن (مشغول شدن) (به)
پیوستن (ملحق شدن) (به)، تاختن (به)، چسبیدن (به)، گرویدن (به)، نازیدن (به)، نگرستن (: به)

حرف اضافه با: جنگیدن، درآمیختن، ساختن، ستیزیدن، آمیختن (مخلوط شدن)

پرهیزیدن، ترسیدن، رنجیدن، گذشتن (حرف اضافه: از)

گتجیدن (در)

شوریدن (بر)

جمله های چهار جزئی :

جمله های چهار جزئی ، چهار نوعند :

۱- جمله های با مفعول و متمم : مثال : سرانجام پدرم تصمیمش را به ما گفت .

پدرم (نهاد) ، تصمیمش (مفعول) ، ما (متمم) و گفت (فعل)

فعل این جمله ها علاوه بر نهاد به مفعول و متمم نیاز دارد .

آموختن (چیزی را به کسی) ، افزودن (چیزی را به چیزی) ، گفتن (چیزی را به کسی) ، دادن (چیزی را به کسی) ، ترساندن (کسی را از چیزی) ، رهاندن (کسی را از چیزی) ، شنیدن (چیزی را از کسی) ، سنجیدن (چیزی را با چیزی) ، بخشیدن (چیزی را به کسی) ، خریدن (چیزی را از جایی)

۲- جمله های با مفعول و مسند : فعل این جمله ها به غیر از نهاد به مفعول و مسند نیاز دارد .

مثال : وزش باد هوای تهران را پاکیزه کرد .

وزش باد (نهاد) ، هوای تهران (مفعول) ، پاکیزه (مسند) کرد (فعل)

توجه : علاوه بر فعل های اسنادی ، فعل های دیگری نیز هستند که ممکن است مسند

بپذیرند و آن در صورتی است که در جمله مفعول و یا متمم داشته باشیم.

عمده مصدر فعل های این گروه عبارتند از :

گردانیدن / نمودن / کردن / ساختن / خواندن / نامیدن / صدازدن / پنداشتن / شمردن / به حساب آوردن

مثال : خواجه نظام الملک، غزالی را شرف الاثمه میخواند.

حافظ خودش را مقید به رسم و رسوم خانقاده نمی کرد.

۴- جمله های با متمم و مسند : فعل این جمله ها نیز علاوه بر نهاد به دو جزء متمم و مسند

نیز نیاز دارد. مثال : اهل محل به او پهلوان می گفتند .

اهل محل (نهاد) ، به او (متمم) ، پهلوان (مسند) می گفتند (فعل)

۴- جمله های با دو مفعول : فعل هایی که در جمله به غیر از نهاد به دو مفعول نیاز دارند :

مثال : دیوار اتاقت را رنگ بزن .

(تو) محذوف (نهاد) ، دیوار اتاقت (مفعول) ، رنگ (مفعول) ، بزن (فعل)

دادن، پوشاندن، بخشیدن، زدن (رنگ زدن)

مسئولان شاگرد اول را جایزه دادند.

فردوسی زبان فارسی را اعتبار بخشید.